



۲۰۱۸/۰۴/۳۰

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## دیو و شیطان

می خواستم مطالب تازه ای تهیه و برای نشر به پورتال وزین «آریانا افغانستان آنلاین»، تقدیم کنم، متأسفانه علالت مزاج مجال نداد، ناگزیر سری به سروده های آغاز مهاجرت زده و تعدادی نظرم را جلب کرد که به دست نشر سپرده نشده و یا اگر نشر هم شده باشد، تکرار آن خالی از دلچسپی نیست. با سقوط نظام شاهی و روی کار آمدن آخوند های عمامه پوش در ایران و کودتای هفت ثور با هجوم اتحاد شوروی در افغانستان، ایجاد دولت افراطی اسلامی و نظام خدا شناس سوسیالیستی در منطقه به یقین توازن آرامش را برهم می زد چنانکه ما شاهد آن بودیم. اینک یکی از آن سروده ها از سی و سه سال پیش پیشکش می شود:



باز یارب، در جهان این گردش دوران چه کرد  
بر سر حیوان چه آورد، همره انسان چه کرد  
شرق را بگرفت روس و غرب را امریکه، وای  
با من و با تو دگر، این دیو و این شیطان چه کرد  
در مقام خود نمائی، خود ستائی، خود سری  
ریش با ایران چه و بی ریش با "افغان" چه کرد  
هرکسی در کسب قدرت شیوه یی کرد اختیار  
مذهب از قرآن چه گفت، الحاد با قرآن چه کرد  
این گروه "آیت الله" با عبا و با قبا  
با شعار دین، ببین با مردم ایران چه کرد

وین نظام بی خدا زیر شعار کارگر  
با خدا و بندگانش ملت "افغان" چه کرد  
دولت منحوس روس از بهر اغوای جهان  
و عده با ایران چه داد، همراه پاکستان چه کرد  
با دو سه میهن فروش، بی شعور جا طلب  
ظاهراً پیمان یاری بست و در پنهان چه کرد  
دامن ناموس میهن را به خون آلوده ساخت  
آخر این آلوده با صد لکه دامان چه کرد  
کفر می گویند آمد ملک را ویرانه ساخت  
این بجاء، اما "ملا" با دین و با ایمان چه کرد  
زیر نام صلح عالم را به آتش می کشند  
صلح اگر اینست، بنگر جنگ با انسان چه کرد  
ای عجب، در ملک ما ناخوانده مهمان آمده  
خود تماشا کن «اسیر» این بی ادب مهمان چه کرد

م. نسیم «اسیر» ۱۵ مارچ ۱۹۸۵م

